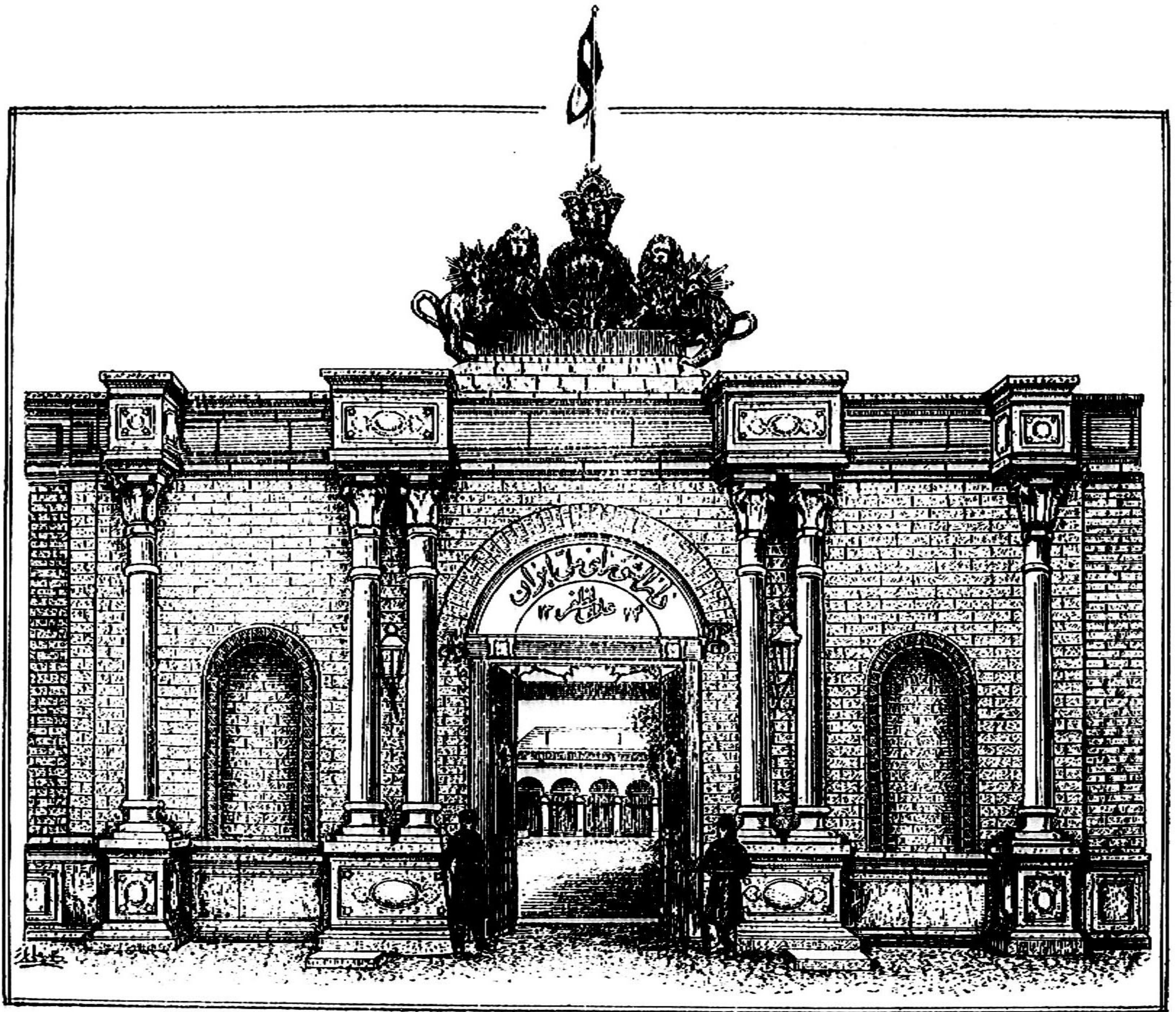


<p>جلسه ۸۸</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره پنجاه و چهارم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۴ شوال المکرم ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره يك قران</p>

# فهرست مندرجات

نمبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	طرح خبر شعبه ششم راجع بانتخابات سیرجان ونمایندگی آقای کاظمی ورد نمایندگی ایشان	۱۰۴۴	۱۰۶۱



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه ۲۷ فروردین، ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۴ شوال المکرم ۱۳۴۵

### جلسه ۸۸

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)  
 (وصورت مجلس روز گذشته را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)  
 غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: موقر - ضیاء - حشمتی - محمدآخوند - پالیزی  
 عباس میرزا - نوبخت

غائبین بی اجازه

آقایان: علیخان اعظمی - محمدتقی اسعد - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک  
دیر آمدگان با اجازه

آقایان: روحی - مرضی قلیخان بیات - حاجری زاده  
میرزا ابراهیم خان قوام - بهار  
دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: دشتی - زعیم

رئیس: آقای زوار

زوار - علاوه بر اینکه اظهارات دیروز بنده تمام نشد و در صورت مجلس هم ذکر نکرده اند معذک چون سوء تفاهمی رخ داده ناچارم که عرض کنم بنده در شخصیات نمیخواستم دخالت کنم و عریض بنده راجع بنوعیات و محض حفظ حیثیات مجلس شورای ملی بود

رئیس - این فرمایشات راجع بصورت مجلس نبود  
آقای سید یعقوب

سید یعقوب - بنده نمیدانم بصورت مجلس آقای رئیس توجه داشتند یا نه؟ بنده کاملاً با این صورت مجلس مخالفم. رای اینکه صورت مجلس امروز را بنده بعینه مثل روزنامه جات دادم که سؤال آقایان نمایندگان را خیلی مختصر و از آقایان وزراء را بقدری آب و تاب بهش میدادند که چه عرض کنم. بنده در سهم خودم (حالا دیگران را که سؤال کردند کاری ندارم) این را عقیده ندارم. اصلاً سؤال بنده و آقا میرزا علی راجع بممیزی در موضوع مختلف بود ولی در صورت مجلس هر دوی اینها را یکی کرده اند و بطور مختصر نوشته اند در جواب فلان و آنوقت شروع کرده اند بمداخل وزیر و بنده مخالفم.

رئیس - صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟

زعیم - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

زعیم - بنده را در ضمن قرائت صورت مجلس دیر

آمده بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده غیبت خودم را به عرض مقام ریاست رسانده و درخواست اجازه کرده بودم. استدعا میکنم مقرر فرمائید اصلاح شود رئیس - اجازه هائی که خواسته میشود ارسال میشود به کمیسیون اگر کمیسیون تصویب نکند البته غایب بی اجازه میشوند.

رئیس - خبر شعبه ششم راجع بانتخابات سیرجان مطرح است. آقای حاجری زاده

حاجری زاده - بنده خیلی احتراز داشتم از اینکه در کار هائی که جنبه شخصی ممکن است پیدا کند وارد شوم و همین دلیل اولین دفعه ایست که راجع بانتخاب نماینده بنده پشت این تریبون حاضر شده ام.

در این دوره بنده خیلی از انتخابات را عقیده نداشتم ولی به رای قناعت میکردم و رای نمیدادم و این اولین دفعه است که خود را حاضر کرده ام و خیلی برای من ناگوار است. اگر چه نتیجه برای عموم دارد این مذاکرات ولی چون انسان مجبور است وارد در شخصیات بشود برای من خیلی ناگوار بوده و هست.

موضوع انتخابات سیرجان و چیزی که من را بیشتر نخره کرد که برای مذاکره خودم را حاضر کنم این کتابچه بود که نوشته شده بود و در این کتابچه يك جمله شده بود بآن شعبه که در این کار قضاوت می کند و چون بنده یکی از افراد آن شعبه بودم مرا متأثر کرد که در این مملکت علاوه بر اینکه باید ما ملک کنیم آزادی فکر و عقیده و این مملکت احتیاج مفرطی بقاضی دارد و همین سر و صدائی که چندی پیش بود و عدلیه را منحل کردند برای این بود که قضاوت ما کاملاً بوظائف خودشان که بیطرفی و بی غرضی است عمل نمی کردند. شعبه يك قضاوتی در این جا - کرد و اعضاء شعبه طرف حمله شخصی که این کار بضرر او تمام شده است واقع شده است. بنده حالا ناچارم اولاً يك مختصری از تاریخ این مسئله عرض کنم بعد وارد در

موضوع شوم ...

آقای سید یعقوب - اول مخالفت را بکن.

حاجری زاده - اسامی اعضاء شعبه شش را بنده برای یادآوری عرض میکنم: شعبه شش دارای نوزده عضو بوده است:

آقای دکتر رفیع امین - آقای میرزا صادقخان نوری - آقای افشار - آقای میرزا عبدالله خان وثوق - حاجری زاده آقا سید ابراهیم ضیاء - آقای طباطبائی و کیلی - آقای میرزا حسن خان وثوق - آقای سهراب خان ساکینین آقای حاج شیخ عبدالرحمن - آقای محمد آخوند - آقای آقاسید زین العابدین فومنی - آقای شیروانی - آقای بامداد آقای معظمی - آقای حاج آقا رضا رفیع - آقای دشتی - آقای داور - آقای فرهمند.

این ها اعضاء این شعبه بوده اند. بنده در جلسات اول و دومش موافقی برایم پیش آمد که نتوانستم حاضر شوم. فقط سه جلسه بنده حاضر شدم که يك جلسه اکثریت حاصل نشد و در دو جلسه دیگر اکثریت بود و وارد در این موضوع شدم. در جلسه اولی که بنده حاضر شدم از این نوزده نفر پانزده نفرشان حاضر بودند که آقای وثوق الدوله و آقای معتمد السلطنه و دیگران بودند. دوسیه را آقایان اعضاء شعبه کاملاً مطالعه کردند و بنده کاملاً مطالعه نکرده بودم و يك مطالعه مختصری در آنجا کردم. روح شکایت را در این دوسیه ما در جمله پیدا کردیم. يك شکایت این بود که آراء اقطاع و افشار در آن مدنی که انجمن مرکزی سیرجان تشخیص داده است نتیجه اش نرسیده و واصل نشده. این جمله قدری براعضاء انجمن آنجا اشتباه شده است زیرا در شعبه هم هیچ اختلافی بین اعضاء شعبه نبود که این اعتراض وارد نیست. برای اینکه ختم انتخابات بکدفعه این است که آراء که نوی صندوق ریخته شد دیگر انتخابات ختم شده است حالا رسول نتیجه اش اگر يك مدنی طول بکشد نمیشود آن آراء را باطل دانست و بالتبعیجه گفت این

انتخابات خانم یافته است. بعلاوه در طهران و سایر نقاط هم سابقه داشته است که مدز نامید میدادند و این مطلب بدیهی است که حقوق يك جماعتی را برای يك ضرب الاجل نمیشود از بین برد و باعمال کرد در طهران خودم نظرم هست که چند مرتبه تمدید داده شد انتخابات طهران تمام میشد آنوقت فلان قریه شکایت میکرد يك هفته هم برای او تمدید داده میشد که حقوق آنها باعمال نشود. این بود که افراد شعبه هیچکدام این اعتراض را وارد ندیدند یعنی باتفاق آراء تقریباً این شکایت و این جمله طرف توجه نبود که در اطرافش صحبت بشود.

در جمله ثانی اعتراض شده بود که اختلافی پیدا شده راجع بمقدار تعرفه که در حوزه اقطاع و افشار مصرف شده است و این اختلاف بین نایب الحکومه آنجا و ایالت کرمانشاه بوده است. يك تلگراف بین آنها رد و بدل شده و استنادی بود که درست ما نتوانستیم حقیقت امر را در آنجا کشف کنیم و برای اختلافی که بین مامورین دولت بود از نماینده وزارت داخله میرزا احمد خان که متصدی عمل انتخابات است توضیحاتی خواستیم ایشان هم بی اطلاع بودند و لاچاره باتفاق آراء تقریباً در شعبه که پانزده شازده نفر بودند تصمیم گرفته شد که از آنچه که برای کشف قضیه و برای اختلافی که بین والی و حکومت قطع و افشار تولید شده بود درفته تحقیق بشود که آیا عده تعرفه که در حوزه اقطاع و افشار مصرف شده چقدر بوده است و این عده تعرفه مصرف شده یا نشده است این مطلب هم در شعبه باتفاق آراء تصویب شد نتیجه هم معلوم بود که اگر او تصدیق کرد که این تعرفه ها بوده است و مصرف شده است آراء آنجا صحیح است و اگر خلافش را تصدیق کرد باطل است. این يك تصدیق تعلیمی بود تقریباً. بعد از چندی از طرف شعبه خبر شد که حاضر شوید برای رسیدگی باین کار و جواب آقای افجه آمده. بعد بواسطی اصرار میشد که در شعبه حاضر نشوید. این جمله بیشتر

بنده را تحریک کرد که اگر چنانچه بنا باشد در مجلس شورای ملی برای يك مسئله کوچکی ما از آن حق قضائی که بما واگذار شده است طفره بزنیم و تامل نمائیم در کارهای مهم مملکتی چه باید بکنیم؟ این بود که بنده یکی دو جلسه حاضر شدم و در آن یکی دو جلسه آنها را که بضررشان بود موفق شده بودند و نگذاشته بودند اکثریت پیدا کند ولی در يك جلسه اکثریت شد. حالا بنده عدة اعضاء شعبه را عرض میکنم. از نوزده نفری که بنده قرائت کردم آقای داور که در آن موقع وزیر عدلیه شده بودند و از عضویت شعبه خارج شده بودند میباید هیجده نفر از این هیجده نفر آقایان: فرهمند و بامداد و فومنی و محمد آخوند و آقا سید ابراهیم ضیاء مسافر بودند و از طهران تشریف برده بودند بفارس و گیلان و عتبات و نقاط دیگر . . . . .

امامی - بنده اخطار نظامنامه دارم.

رئیس - بفرمائید.

امامی - بنده تصور میکنم کتابچه که آقای بدر طبع و توزیع کرده اند مطرح نیست الان خبر شعبه ششم مطرح است ولی ایشان دارند در اطراف کتابچه صحبت می کنند. خوبست مخالفت خودشان را با خبر شعبه شش بفرمایند ولی ایشان با خبر شعبه موافقت میروانی - این اخطار مطابق کدام ماده بود؟

رئیس - آقای حائری زاده کار را مشکل نکنید.

حائری زاده - بنده تا مقدمات امر را صحبت نکنم و آقایان درست اطراف قضیه را ملتفت نشوند نمیتوانم مقصود خودم را بمرض آقایان برسانم. بدون جهت بگویم مخالفم که نمیشود . . . . .

(همه بعضی از نمایندگان - صدای زنگ . . .)

رئیس - (خطاب بحائری زاده) بفرمائید.

حائری زاده - در نظامنامه راجع به شعب و کمیسیونها يك ماده که معلوم کرده باشد که آیا چند نفر که حاضر

شد اکثریت هست و ممکن است رأی گرفت نیست ولی در مجلس شورای ملی در قانون صراحت دارد که اساس روی عده حاضر در طهران است و از آن رو اکثریت را تعیین میکنند و تشخیص میدهند. مثلاً اگر در طهران صد نفر حاضر هستند از آن عده اکثریت مجلس را تشخیص میدهند و نمیگویند که عده وکلا چون صد و سی و شش نفر است و سی و شش نفر که هنوز با انتخاب نشده اند یا در ولایات هستند و هنوز نیامده اند جزو عدة رسمی مجلس شورای ملی محسوب میشوند. این امر در قانون اساسی و در نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی صراحت دارد ولی راجع به کمیسیونها و شعب این قضیه در نظامنامه مسکوت است و هیچ صراحتی در این موضوع ندارد از این جهت ما به سابقه که در کمیسیونها و شعب بود مراجعه کردیم دیدیم از روی عده حاضر در طهران تشخیص اکثریت می شده. این شعبه هم که دارای نوزده نفر عضو بود يك نفرش وزیر شده بود که جزو اعضاء محسوب نمیشد پنج نفرشان هم که مسافر بودند و در طهران نبودند باقی سیزده نفر از آن سیزده نفر هشت نفرشان حاضر بودند و پنج نفرشان غایب بودند. بن هشت نفر که اکثریت داشتند در این باب يك تصمیمی اتخاذ کردند. از این جهت چون شعبه طرف حمله واقع شده بود و بنده هم یکی از اعضاء آن شعبه بودم لذا ابتدا خواستم دفاع از شعبه کرده باشم . . . . .

خطیبی - کسی که بشعبه اعتراض نکرده بود.

حائری زاده - چرا - در کتابچه بشعبه اعتراض کرده بودند . . . . .

شیروانی - صحیح است.

حائری زاده - حالا وارد میشویم در اساس انتخابات سیرجان.

در کرمان تقریباً دو پارنی دخالت داشته است. یکی پارنی اسفندیاری یکی پارنی احرار . . . . .

حاج میرزا مرتضی - همچو چیزی نیست.

حائری زاده - آن پارنی اسفندیاری که در طهران نمایندگان آقای حاج میرزا مرتضی هستند که تشریف دارند ولی پارنی نانوی که احرار باشند نمایندگان در طهران کسی نیست که دفاع بکنند . . . . . آقاسید یعقوب - نماینده مجلس است نه نماینده اسفندیاری.

حائری زاده - بنده اگر هیچ اطلاعی نداشته باشم لااقل بزدی هستم و همسایه کرمان هستم و اطلاعات من شاید بیش از آقایان باشد. در انتخابات آنجا دو پارنی کاملاً در محل بوده اند و دوسیه را استدعا میکنم از آقای مخبر اول تا بآخر بخوانند تا آقایان مسبوق شوند از قضیه. از تلگرافانی که رد و بدل میشود بین حکومت اقطاع و افشار و والی کرمان کاملاً قضیه روشن میشود که والی از انتخاب آقای بدر حمایت میکرده است و حکومت اقطاع و افشار در انتخاب آقای کاظمی. از مکاتبات و مراسلات این مأمورین دولت قضیه خوب معلوم میشود. ماها هم که اینجا نشسته ایم قضاوت کنیم باید از سیاق مطلب و روح مراسلاتی که بهم دیگر نوشته اند بفهمیم و استنباط کنیم که قضیه چه رنگی داشته است. والی و حاکم سیرجان و انجمن نظارتی که در سیرجان تشکیل شده بود نمایان نشان بطرف آقای بدر بوده و این مطلب ظاهر و روشن است. حاکم اقطاع و افشار بر خلاف طرفدار کاظمی بوده است. این عمل مأمورین دولت در آنجا بوده است عمل محلی های آنجا هم در طهران اثراتش هست. آقایان اسفندیاری و حاج میرزا مرتضی بابت موافق بوده اند و آقایان میرزا شهاب و درگاهی موافقت با انتخاب کاظمی و مخالفند با بدر. این جریان عملی بوده است که در کرمان رخ داده است . . . . .

حاج شیخ بیات - شما باکی مخالفید؟

حائری زاده - این جریان انتخابات آنجا بود که عرض کردم و بنده با این طرز انتخاب کاملاً مخالف هستم و معتقدم که باید انتخابات شکلی باشد که مأمورین دولت ادا در آن دخالت نکنند و تمایلی نسبت به زید و عمرو

بروز ندهند. من فقط عیبی که در این انتخاب می بینم فقط تمایلی است که والی و حکومت اقطاع و افشار باشخاص داشته و حب و بغض هائی نسبت باین دو نفر نشان میداده اند ولی اگر آقایان این عیب را عیب ندانند بنده انتخابات را با کاظمی میدانم.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - نماینده محترم اولاً يك مقدار داخل در شخصیات شدند و بنده نمیخواهم مطابق آنچه که ایشان عمل فرمودند عمل کنم والا بنده هم کاملاً از انتخابات زرد و عملیات خان شوکت در موقع انتخابات آنجا مسبوق هستم - بنده عرض کردم نمی خواهم مثل ایشان داخل در شخصیات شوم. حضور مبارك آقایان عرض بکنم که انتخابات سیرجان کاملاً بطور صحت انجام گرفته است. دلیل صحت انتخابات هم در مرحله اول تصدیق انجمن نظارت محلی بوده است و در مرحله ثانی تصدیق حکومت محل و والی ایالت کرمان. یعنی انجمن مرکزی سیرجان و حکومت سیرجان و والی ایالت کرمان تصدیق انتخابات سیرجان را کرده اند که جریان آن کاملاً مطابق با قانون بوده و هیچ اشکالی در آن نبوده است. چیزی که هست در حوزه اقطاع و افشار که یکی از حوزه های جزء انتخابیه سیرجان است در آن جا يك عده تعرفه که مطابق صورتی که حکومت نظامی که اول در سیرجان بوده و بعد او برداشته شده و حاکم غیر نظامی گذاشته شده و هر دو هم امضا کرده اند دو هزار و هفتصد تعرفه برای اقطاع و افشار فرستاده شده است فقط این دو هزار و هفتصد تعرفه در اقطاع و افشار بوده است از این دو هزار و هفتصد تعرفه هزار و صد و هشتاد و يك ورقه تعرفه به بافت و بزنجان و رابر فرستاده شده که این سه محل بلوک عمده اقطاع و افشار است و سایر جاهای دیگرش يك قصبه و قراء خیلی کوچکی است. این سه محل انتخاباتشان را خامه داده اند و صورت آراء شان را هم فرستاده اند

از اصرار ندارد. در خارج به بنده جوابی دادند ولی جواب کتبی نبود جواب شفاهی بود که این مفتش نه برای تفتیش انتخابات به کرمان می رود بلکه برای رفع اختلافی است که بین حکومت اقطاع و والی کرمان اتفاق افتاده است. مفتش از اینجا به کرمان می رود تلگراف می کنند و سؤالی از او میشود و او جوابی میدهد که مضمون آن این است که پنجهزار و خورده تهره در اقطاع مصرف شده ولی هیچ اسم ندارد که این پنجهزار و خورده تهره که مصرف شده در مقابلش آراء گرفته شده است یا نه؟ و هیچ اظهار عقیده دیگری نمی کند در آخر تلگراف میگوید اگر پول برای من رسید و من آمدم به طهران نظریات خودم را میگویم آقایان اعضاء شعبه تمام ادله مثبتة اعضای انجمن نظار سیرجان و تصدیقهای که برصحت انتخابات در این دوسیه هست يك طرف گذارده اند و فقط تصدیق يك نفر مفتش را مدرک قرار داده اند و آنوقت آمده اند میگویند انتخابات اقطاع مطابق قانون بوده در صورتیکه این مقدار تهره باقطاع نرفته. در همان تلگراف هم میگویند که شاید مقدار زیادی از تهره هائی که برای مجلس مؤسسان فرستاده اند در آنجا بوده است. در صورتیکه برای مجلس مؤسسان به دهات و قراء آنجا ابتدا تهره فرستاده اند فقط در مراکز شهرهای ایالات و ولایات تهره بوده و در قراء و اطراف هیچ تهره فرستاده اند که در آنجا تهره باشد. فقط حکومت آنجا یا با تهدیدی که به او شده یا با ترتیبات دیگری خود سرانه يك اقداماتی کرده و نوشته است که آنقدر آقای کاظمی رأی دارد. بنده حقیقه خیلی تعجب میکنم از این قضاوت عادلانه که آقایان اعضاء شعبه کرده اند تمام ادله و مدارکی که دلالت برصحت انتخابات سیرجان میکند پشت پا انداخته اند...

شریعت زاده - دلائل را بفرمائید چیست؟

حاج میرزا مرتضی - در مرحله اول تصدیق انجمن

نظار که بالا زین چیزها است. برای صحت انتخابات هر جا. و اگر تصدیق انجمن نظار با والی نباشد شما چه مدرکی برای صحت انتخابات در دست دارید؟

باید انجمن نظار که مسؤول صحت جریان انتخابات است او تصدیق کند که يك انتخابات صحیح است یا صحیح نیست. اگر ادله آقایان بر خلاف انجمن نظار داشته باشند آنرا باید اقامه کنند که خیر این تصدیق انجمن غرض آمیز بوده یا خطا کرده است یا برخلاف قانون است. اما مسئله ابطال آرائی که در موقع رسیده است یعنی آراء حوزه های اقطاع و افشار: ماده سی و شش و سی و هفت قانون انتخابات میگوید اگر چنانچه در موقعی که انجمن برای انجام امر انتخابات تعیین میکند انجمن های فرعی انتخابات خودشانرا انجام نداده و صورت انتخاباترا بجزوه مرکزی نفرستادند انجمن بانخابات خانمه داده و نتیجه آراء را اعلان میکند ولی این حق مانع از شکایت کردن شاکیان نمیشود. انجمن سیرجان هم مطابق ماده ۳۶ و ۳۷ عمل کرده است و چون در آن موقع ضرب الاجل که تقریباً هشت یا ده روز گذشته بوده است آراء را عمداً معطل کرده بودند که ببینند نتیجه آراء سیرجان چه میشود که اگر چنانچه در آنجا آقای بدر اکثریتشان باندازه رسید که تقریباً زیادت از چه چیز هست باز بر عده تهره بیفزایند باین جهت معطل کرده اند و بسیرجان فرستاده اند تا اینکه معلوم شود عده آرائی که آقای بدر دارند چقدر است و آنوقت اندازه که زیاد شد آن اندازه را بآراء بیفزایند و باین جهت در موقعی که انجمن ضرب الاجل کرده بود برای فرستادن آراء و آراء آنجا رسیده بود آراء آنجا را باطل دانسته و اینکار مطابق قانون انتخابات است. اگر چنانچه قانون انتخابات صحیح نیست شما اعتراض بقانون بکنید و الا عملیات انجمن نظار سیرجان کاملاً مطابق با قانون و حق بوده و هیچ اشکالی ندارد راجع بفرستادن مفتش هم مراسله از وزارت داخله در مجلس هست که در تاریخ ۱۸ دی ماه

در نحت نمره ۱۵۰۶۸ می نویسد: که این مفتش فقط برای رفع اختلاف بین والی و حکومت اقطاع رفته است و ابتدا هیچ مداخلتی در امر انتخابات نداشته است پس بنا براین تصدیق مفتش در اینجا هیچ سند و مداخلتی ندارد که در مقابل تصدیق انجمن و والی کرمان بگوئیم انتخابات سیرجان باطل است. باینکه بگویند آقای کاظمی اکثریت دارند. بعلاوه بنده از حیث صلاحیت آقای کاظمی هم يك عراضی دارم که عجالتاً عرض نمی کنم و اگر آقایان اجازه دادند بعد عرض خواهم کرد. شیروانی - بفرمائید. بفرمائید.

زوار - (خطاب با آقای حاج میرزا مرتضی) نسبت بصلاحیت خود شما هم تردید است.

رئیس - آقای زوار: بشما اخطار میکنم. آقای

شیروانی

شیروانی (مخبر شعبه) - در این جا چون موضوع روی جریان دوسیه و دفع از نظریه شعبه است بنده میل ندارم مثل نماینده محترم داخل در صلاحیت و عدم صلاحیت اشخاص شوم. البته اگر مذاکره شد در این باب طرفین حرفهائی دارند که میزنند. ولی فقط بنده چون اشاره بصلاحیت آقای کاظمی شد شخصاً هوبت ایشان را يك قدری به آزادی خواهان این مملکت یاد آوری می کنم. آقای کاظمی آن کسی است که بیرق یا مرگ یا استقلال را در طهران در دست گرفت و در مقابل آن کسانی که به اولتیماتوم روسها تمک می کردند. فریاد وطن پرستی زد. کاظمی در موقع قرارداد ۱۹۱۹ دستگیر شد و در قزوین شش ماه حبس شد. در همان موقع به نحریک اجنبی پرستها در همان کرمان که وطن آقا است کاظمی پای دار رفت....

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

حاج میرزا مرتضی - صحیح نیست.

شیروانی - بالاخره کاظمی از اشخاصی نیست که محتاج به معرفی باشد. در این مملکت آقای کاظمی اعم از اینکه

مجلس شورای ملی به او رأی بدهد یا ندهد، وکیل بشود یا نشود هويت آقاي کاظمی طوری است که در این مملکت کوچکترین لکه به دامن او چسبیده نمی شود این موضوع شخصی او بود البته بنده آنطرف قضیه را هیچ داخل نمی شوم مملکت و تاریخ خودش قضاوت میکند. اما شخصاً خود بنده و اعضاء شعبه که رأی به این دوسیه دادیم. بنده خودم را عرض میکنم و خدای خودم را شاهد میگيرم که در این قضیه و در این دوسیه کوچکترین غرض شخصی به خرج نرفته است و شخصاً هم بنده با آقای بدر هیچ سابقه سوئی ندارم بلکه بایشان ارادت دارم و ابدا نظریات شخصی مداخلت در این دوسیه نخواهد داشت. معذرت نکند که گمان میکنم مخالف و موافق در این مجلس تصدیق میفرمایند و نباید فراموش کرد این است که انتخابات مملکت ما اصولاً يك صورتهای خاصی بخودش گرفته اینرا نه میشود تقصیر مردم دانست و نه میشود تقصیر آن اشخاصی که میخواهند وکیل شوند فرض کرد. این البته بگذرد نتیجه جهل عمومی است که امیدوارم بزودی رفع شود و یکی نقص قانون که اینها سبب شده است و انتخابات در این مملکت مخلوط و بالتبع اینطور چیزها از نویس بیرون میآید مخصوصاً انتخاباتی که بگذرد تأخیر بیفتد و مصادف شود با افتتاح مجلس و يك نفوذی هم که فوق تصور ما است دخالت در امر انتخابات بکند. مادر دوره پنجم هرچه خواستیم این فکر را ایجاد کنیم که مأمورین دولت مخصوصاً مأمورین عالیة دولت که کاندیدا شدند حقیقتاً نباید امیدوار به حسن جریان انتخابات شد (فرق نمیکند طرفین قضیه مأمور دولتند) اینرا ما هرچه خواستیم در دوره پنجم يك علاجی برایش بکنیم پیشرفت نکرد برای اینکه مأمورین دولت هم البته حق دارند از حقوق ملی استفاده کنند و ما يك منطق اساسی نداریم که بتوانیم بگوئیم استفاده نکنند ولی بالاخره دخالت مأمورین دولت در انتخابات اینطور چیزها از نوش بیرون می آید.

انتخابات درست جریان داشته است از آن وسطهايش انتخابات دولتی میشود، يك تلگراف و يك اعتبار نامه است و بعد تمام می شود. قضاوت این دوسیه با مجلس است و البته قضاوت مجلس فوق تمام اینها است. در اینجا نماینده محترم فرمودند که شعبه بی انصافی کرده است و نسبت به شعبه اظهار بی مهری فرمودند. قطع نظر از اینکه سایر شعبات هم قضاوتهايشان همینطور بوده است و چندین شعبه دیگر را ملاحظه فرموده اند که دوسیه هائی را آورده اند و خوانده اند و بالاخره عقیده خودشان را گفته اند. مرحله شعب بکمرحله استیفاي انتخابات است و حق خواهد داشت که هر چیزی بنظر او میآید رأی بدهد و بالاخره يك محکمه عالی دیگری که مجلس شورای ملی است رأی قاطع خواهد داد. البته مجلس با رأی انجمن نظار سیرجان تأیید میکند یا رأی شعبه را. ما هر دو رأی را در حضور مجلس میخوانیم هر کدام را صلاح دانستند رأی میدهند ولی چون میخواهم اوقات شریف آقایان را تضییع نکنم مختصراً بعرض میرسانم. انتخابات در شهر رمضان ۱۳۰۴ ...

یکتفر از نمایندگان - شهر شعبان

شیروانی - بلی شهر شعبان ۱۳۰۴ شروع میشود یعنی اعلان منتشر میشود. انجمن هم در آن موقع تشکیل میشود و مطابق قانون انتخابات انجمن مشغول تعیین معاین میشود (این صورت مجلسی است که نمایندگان آقای بدر را تصدیق میکنند) بعد از یکماه و نیم دو ماه که میگردد و انجمن مشغول بوده و کار خودش را میکرده است بوقت يك تلگرافی میآید و انتخابات توقیف میشود در این بین اعضاء انجمن استعفا میدهند. طرز استعفایشان هم معلوم میشود که در تحت يك تأییرانی است. علی البدل را معین میکنند استعفا میدهند، آن یکی علی البدل را انتخاب میکنند مستعفی می شود و بالاخره يك وضعیت غیر طبیعی انجمن را بکلی از جریان می اندازد و تا آخرین لحظه هم متمم این انجمن را که پنج نفر بوده اند بکلی در تحت فشار

گذارده و منحل میکنند. يك انجمن جدیدی بایک حاکم جدیدی می آید. در اعتراضاتی هم که آقای کاظمی میکند شرح حال این حاکم را می گوید که چه قدر آدم کشته است و چه کرده است ولی بنده داخل در هويت حاکم نمی شوم. این حاکم مأمور انتخابات جدید میشود همانطور که عرض کردم از آنوقت امر انتخابات استحال میشود این حاکم می آید مطابق ذوق و سلیقه خودش وضعیت را تغییر میدهد یعنی مطابق وضعیتی که در ماه دوم کابینه جدید در مملکت بوده ایجاد میکنند و معلوم است او امر صادر میشود، حکام جزء را عوض میکنند: فقط حکومت اقطاع و افشار را بمناسبت اینکه يك قدری دور دست بوده تغییر نمیدهند شاید آن را هم فکر کرده بودند که آخر آراء آنجا را باطل میکنند. در صورتیکه این قانون انتخابات را بنده می گذارم جلوی تمام آقایان يك ماده پیدا کنند که يك انجمنی حق داشته باشد يك عده آراء را ابطال کند حالا این دوسیه که بر از تلگرافات شکایت است که کجا توی سر ما زده شد، کجا حاکم فلان کار را کرد و تلگرافات والی که الان خواهم خواند تمام دال بر این است که آقای حاکم با تمام قوا عملیات خودشان را صرف انتخاب آقای بدر کرده اند و این هیچ محل گفتگو نیست و يك تلگرافات دیگری هم هست که اگر بنا شد يك محکمه جمع نری از مجلس شورای ملی تشکیل شد با سایر اسناد دیگری که ما داریم بعرض خواهم رساند که والی نه تنها تمام قوايش را صرف انتخاب آقای بدر کرده است بلکه در این ضمن ها میخواسته است دوسره بار کند يك تلگراف دیگر هم هست که بموقع خودش عرض میکنم و تمام اینها دلیل است بر اینکه والی و سایر مأمورین بغیر از حاکم اقطاع و افشار مأمور انجام انتخاب آقای بدر بوده اند معیناً کاظمی در همین قسمت دوهزار و پانصد رأی پیدا میکند و انجمن اقطاع و افشار هم چون نسبتاً بیطرف بوده زیر بار انجمن مرکزی آنقدرها نرفته

وکیل دیگر داشت و در اقلیت بود و خواست انتخابات را معطل کند آنرا نایک مدتی که ضرب الاجل برایش قرار میدهند مسلوب الحاق بکنند و بگویند حق ندارید معطل کنید و در عین حال صریح ماده ۳۶ است که الان میخواهم میگویند نباید حق شکایت از آنها سلب شود و باید عین صورت مجلس و جریان دوسیه و همه چیز آنها را ضمیمه دوسیه کنند و برای قضاوت به مجلس شورای ملی بفرستند. ما در این دوسیه از طرف انجمن مرکزی سیرجان جز یک سطر که در صورت مجلس مینویسد که ما بآنها گفتیم آراء آنها صحیح نیست جز این یک سطر از دوسیه اقطاع و افشار در این دوسیه چیز دیگری نیست پس انجمن مرکزی به وظیفه خودش رفتار نکرده است. انجمن مرکزی هم اگر عقیده اش این بوده که بر طبق ماده ۳۶ و ۳۷ باید آراء اقطاع و افشار را ابطال کند بفرمایش حضرتعالی باید دلایلش را ضمیمه صورت مجلس نموده و بفرستد اینجا که مجلس قضاوت کند شما چطور میتوانید قسم حضرت عباس را بخورید که شما انجمن اقطاع و افشار دوسیه را دیر آورده است؟ شما کجا میتوانید این قسم را بخورید؟ یک انجمنی که اینطور طرف بوده شاید دوسیه را هم در ساعت معین آورده اند و در دوسیه انجمن مرکزی نگذارده است. کدام دلایل محکمی را شما دارید که آنها دوسیه شان را نیاورده اند جز یک سطر که انجمن اقطاع نوشته است نیاورده اند؟ انجمن نظار بالاخره اظهار عقیده اش مبتنی به یک مدارک و دلیلی نیست. همینقدر میگوید بموقع نیاورده اند. انجمن اقطاع میگوید من فرستاده ام. بعلاوه در ماده ۳۷ قانون صریح است میگوید: اگر در یک محلی انتخابات به عمل نیامد. نمیگوید انتخابات قسمت های دیگر را بکلی زیر پا بگذارند چون ۴۸ ساعت یا ۲۴ ساعت دیر تر رسیده است میگوید در هر یک از حوزه های انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هرگاه بعضی از آن نقاط در مدتی که

و همه روزه با مرکز، با والی، با انجمن نظارت مرکزی مشغول مکاتبه و تلگرافات و دادن راپرت بوده است و بالاخره تلگرافخانه اقطاع و افشار از راپرت هائی که هرروزه انجمن داده است تراست و برای همین نظریه بود که در دوره گذشته خود آقای مدرس و سایر آقایان که علاقه مند باصلاح قانون انتخابات بودند برای اینکه انجمن های فرعی را انجمن مرکزی خفه نکنند یک اختیاری در نحت ماده هفده به انجمن های فرعی دادند. ماده ۱۷ میگوید: انجمن های نظارت هر حوزه انتخابیه در نحت نظارت حاکم محل متصدی و مسؤل صحت جریان انتخابات آن حوزه خواهند بود و انجمنهای مزبور غیر قابل تغییر و انحلال میباشد. این ماده را مخصوصاً در موقع اصلاح قانون انتخابات در نظر گرفتیم که وقتی که انجمن مرکزی می بیند کاندیدای خودش پیشرفت نمی کند آنها را نحت فشار خودش قرار ندهد. انجمن اقطاع و افشار از این ماده استفاده کرده و زیر بار فشار انجمن مرکزی و والی و حکومت کرمان زفته و زد و خورد ها کرده نوبی سری خورده اند و هزاران شتاند به آنها وارد شده و از میدان در زفته اند و بالاخره آراء آزادشان را به کاظمی داده اند. انجمن نظارت مرکزی سیرجان که از خجای صورت مجلس خودشان معلوم میشود و اکثریتشان خوشبختانه باید بختانه رأی آقای بدر داده اند دو نظریه پیدا کرده اند. یکدسته میگفتند بموجب ماده ۳۷ و ۳۸ ما آراء آنها را (همانطور که نماینده محترم فرمودند) باطل میدانیم (همانطور که در خبر هم بنده نوشته ام) در صورتیکه لفظ ابطالی در قانون ذکر نشده است. ما باید اول فلسفه قانون را بفهمیم بعد آن قانون را بر طبق فلسفه تفسیر کرده و در موقع از قانون استفاده کنیم. ما میخواهیم بفهمیم در ماده ۳۷ و ۳۸ چرا این قید را کرده است. این قید بالاخره برای چه بوده؟ برای این بوده است که یک انجمن جزء با یک انجمن فرعی اگر نظر مخصوصی بیک

انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین میکند انتخابات خود را بعمل نیاورند. یعنی تعرفه منتشر نکنند، اخذ رأی نکنند، صورت مجلس ننویسند، اعتبار نامه امضاء نکنند، خبر ندهند، اینها عمل آوردن است، عمل انتخابات رأی ملت است و بس بقیه همه فوراً البته است و برای این است که رأی ملت را مراقب جریانش باشند پنجهزار رأی ملت را انجمن دلش نخورسته است حساب کند!! من تصور نمیکنم که وجدان آقایان بتواند یک همچو رائی را تصدیق کند. عمل عمل انتخابات است، باید فهمید که انتخابات در آنجا بعمل آمده است بانه اقطاع و افشار دهات دور دستش شصت فرسخ فاصله داشته است و سایل حمل و نقل با شتر بوده است. بالاخره یک همچو حوزه وسیعی با شتر میخواهد دوسیه و زندگانش را بیاورد به قول خودشان نوزدهم نیاورده بدست و سوم آورده است. چهار روز تأخیر وصول دوسیه یک حوزه انتخابیه که پنجهزار بانصد رأی داده است گمان نمیکنم ابطال آن مطابق منطق باشد. خود آقا فرمودند در همه ساها دو هزار و هفتصد، دو هزار و هشتصد تعرفه به اقطاع و افشار میفرستادند. یعنی جیره بانها میدادند

خیلی خوب. این جیره را چرا پای آنها حساب نکرده اند؟ این دو هزار و هفتصد تارا چرا حساب نکرده اند؟ اگر انجمن نظر خصوصی نداشت میخواست این جیره را باشان حساب کند. این دو هزار و هفتصد رأی را ضمیمه کند و بگوید آقای کاظمی صد رأی از آقای بدر عقب بوده اند نه اینکه پنجهزار و بانصد رأی را که این دو هزار و هفتصد نام جزوش است همه را یک مرتبه ابطال کند. پس لاف آن معمولی سنوایی را میخواهند بهشان اجازه بدهند که رأی بدهند. اما اینکه فرمودند عقیده مفتش ملاک نمیشود و رأی انجمن صحیح است بنده نایک درجه تصدیق میکنم فرمایش آقا را. البته باید با انجمن اقتدارات داد و چاره هم نداریم کس دیگر را نداریم جز انجمن که باید ناظر انتخابات باشد. اگر

چه بقول یکی از رفقای ما که در اصفهان می گفت: انتخابات اولادی است از یک پدر و مادر، پدرش حاکم است و مادرش هم انجمن نظار. بقیه را باید صرف نظر کرد. ملت را نباید ملاحظه کرد. معیناً برای این جریان غیر عادی رأی یک جریانی که یک قسمت و یک حوزه هم مملکتی را از حق رأی محروم میکند. در این مملکت وسیع وسیله که ما از هیچ جا نمیتوانیم اطلاع کامل پیدا کنیم یک همچو دوسیه عجیب و غریبی در آنجا تشکیل میشود. انتخابات سه چهار ماه در مجرای طبیعی خودش سیر میکرده بعد کابینه که تشکیل میشود انتخابات هم عوض میشود از وسط یک همچو جریانی را سیر میکند. البته طرف مقابل هم حق الامکان باید مقاومت کند و نگذارد حقوق خودش در نتیجه اقتدارات حکومت با هتک درک از بین برود. باید این جور آدم را تقدیس کرد که در مقابل یک وزیر مقتدری که تلگراف مکتوب و انجمن و مأمورین همه زیر دست خودش است مقاومت میکند و وزیر پشت میز وزارت نشسته و هی تلگراف میکند و او نوبی خیابان راه میرفته و فریاد میزند. در مقابل یک همچو چیزی باید مقاومت خودش را بکند. مقاومت هم کرده و ثابت کرده است که این دوسیه جریانش عوض شده است. بکنفر آدمی هم که (بنده خیلی حقیقه نشکر میکنم از نماینده محترم آقای وثوق که خودشان در شعبه فرمودند آقای الفی کسی نیست که بیکی از طرفین نظر سوء داشته باشد) همه او را آدم خوبی میدانند و بالاخره ما هم از او یک سؤال کردیم او هم جواب داده گفتیم آنجا پنجهزار و بانصد تعرفه منتشر شده؟ گفت بلی و در عین حال میگوید خودم اگر بیایم توضیحانرا با مدارک میدهم ولی شعبه بیش از این احتیاج نداشت. حالا مجلس شورای ملی لازم بداند که بیشتر حرفهای او را گوش بدهند مطلبی است ولی ما در این دوسیه جز زردید و شکی که در اختلاف تعرفه داشتیم دیگر تکی



در نمایندگی کاظمی نداشتیم آرامم. مجبور بودیم از يك آدم امینی که اتفاق آراء اعضا شعبه امانت او را تصدیق کرده بپریم که در آنجا پنجهزارو پانصد تعرفه وجود داشته و توزیع شده و در مقابل رأی گرفته اند با خیر؟ او هم بك همچو تصدیقی کرده است ما دیگر خود را نی نیاز دانستیم که تصدیقات دیگر از او بخواهیم. عرض کردم اگر جریان عادی می بود البته مفتش هم لازم نبود و مفتش هم هیچ محل اهراب نداشت ولی متأسفانه جریان يك جریان عادی نبوده است. شما در مرکز و پای تختتان توانستید جریان عادی بر طبق مواد قانون انتخابات طی کنید بالاخره مجبور میشدید يك حوزه که آرائش را بنمیداد سه روز نمیدید بدهید. این درست است که اندک تجاوزی بقانون شده ولی مقصود از قانون این است که مردم همه آرائشان را آزادانه بدهند اگر دو روز هم انجمن نظارت اخذ آراء را نمیدید داده کفر نکرده است. اگر در آنوقت که جریان غیر عادی شده دولت يك مفتشی از مرکز فرستاده است در آنجا و يك حقایقی را کشف کرده بنده خیال میکنم بر خلاف اصول نشده و تصدیق آقای افجه را هم بنده خیال میکنم تصدیق صحیحی باشد و دیگر بیش از این بنده مصدع اوقات نمایندگان محترم نمیشوم و در خانه عرض میکنم که در این جور مواقع در این قبیل دوسیه ها و این قبیل جریاناتی که کاملاً آقایان در ذهن و فکر خودشان میتوانند قضاوت کنند آن چیزی که بیشتر از همه چیز باید اهمیت داشته باشد و در اینجا قضاوت همه چیز را باید با و گذار کنند و جدان است.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- موافقم

رئیس -- آقای سید یعقوب .

آقا سید یعقوب -- مخالفم

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- کجا نمیکم موافقین با مخالفین که در این موضوع صحبت میکنند راجع بصلاحيات منتخب باشد راجع به آقای کاظمی و آقای بدر مجلس شورای ملی هر دو شان را صالح میدانند. پس آقای شیروانی که يك شرح مشبعی از مداخله آقای کاظمی بیان فرمودند مداخلتی در انتخابات نداشت بلی آقای کاظمی حقیقه يك جران آزاد بخواه مشروطه طلب علاقه مند بملک است ولی علاقه مند بملکت هم خیلی است. اگر انتخابات صحیح نباشد علاقه مندی بملکت انتخابات را صحیح نمیکند. دو موضوع است یکی صلاحیت منتخب است یکی موضوع جریان انتخابات است. ما این در موضوع را باید از هم منفک نمائیم. هیچوقت اوصاف شخصی مداخلت در قانون دارد. قانون برای تمام افراد است بکوفتی است که این قانونیکه برای تمام افراد است يك فردی که مصداق این قانون واقع میشود امام زمان است يك فردش کس دیگر است پس افراد خارجی را مداخلت در جریان انتخابات ندهید آقای شیروانی. همین طور آقای بدر را هم تصدیق دارید در دوره اولی که وزیر علوم شد به تصدیق تمام مطبوعات و صداهائی که از همه بلند شد چه خدماتی بمعارف کرد حقایق که از بین نبرود. بنده نگویم ولی دست حقیقت و تاریخ همه اینها را بیان میکند. (فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید. شرمنده رهروی که نظر بر حجاز کرد) حقیقت مخفی نمیند. پس داخل در شخصیات نباید شد. حقیقت را باید در نظر گرفت. بفرمائید آقای شیروانی مجلس عنوانش مقام نمیز را دارد. مقام شعبه مقام استیناف است. بنده با اینکه فوق العاده علاقه مند با آقای شیروانی هستم و مثل برادر دوستشان دارم اما در مسائلی که محل نظرمان واقع میشود اختلاف سلیقه داریم ولی کاملاً در مقام سیاست با هم هستیم. اینجا اختلاف سلیقه در قضاوت است و الا ما هیچ با همدیگر جنگ نداریم و با هم غراب نمیشوم. حالا وارد میشوم در این مسئله. بنده مگر در پشت همین تریبون عرض کرده ام

يك قضائاتی هست در واقع و نفس الامر ولی يك قضائاتی هست که از روی دوسیه است. ما قضاوت محکمه استیناف و نیز هستیم. انجمن نظار که به منزله قاضی ابتدائی است شعبه بمنزله قاضی استیناف است و ما هم که در واقع راپرت شعبه و محکمه استیناف را در اینجا مطرح قرار میدهیم بمنزله نیز هستیم. میخواهم عرض کنم که شعبه نباید غیر از دوسیه که از طرف وزارت داخله (که مأمور انتخابات است) تقدیم میشود چیز دیگری را در نظر بگیرد. علم واقعی را بطی ندارد قاضی نباید بعلم واقعی خودش عمل کند. مطابق مدارک و دوسیه باید عمل کند. بلی حقیقه يك اشخاصی صالحند ولی دوسیه راجع بآنها نیست. ما قاضی مدرک و دوسیه ایم. قاضی قوانین هستیم. از روی این قوانین باید قضاوت کنیم و این قوانین را باید مصدر و دستور العمل خودمان قرار دهیم فرمایشات دیگر مطاع است ولی وقتی این قانون آمد باید فرمایشات در تحت این قانون در ذیل این قانون باشد اگر بخواهیم بملکت رو بسعادادت برود قانون مقدم بر همه است قضاوت ما هم باید بر روی قانون باشد. بنده عرض میکنم شعبه دوسیه را از هیئت رئیس بگیرد. هیئت رئیس دوسیه را از وزارت داخله برایش میآورند.

وزارت داخله دوسیه را از انجمن میآورد. پس مناط تمام اینها انجمن واقع میشود. اگر انجمن مرکزی محل عدم اعتبار است باید وزارت داخله در آن دوسیه که میآید بمجلس شورای ملی بنویسد که این اعضاء انجمن مرکزی غیر معتبرند. اگر ایرادی داشتند آقایان قضاوت محترم شعبه باید ابراد کنند که این انجمن مرکزی و این قضائی که در آنجا معین شده اند مطابق قانون نیستند، از معتمدین محل نیستند، نماینده محل نیستند پس از آنکه انجمن تمام درست شد هر چه گفت باید گوش داد. چرا؟ چون انجمن که پایه اول است درست است و مطابق قانون که باید سی و شش نفر معین شود و نه نفر عضو اصلی و نه نفر هم علی البدل از بین آنها

معین شود عمل شده. در اینجا که اشکال فرمودند چون در راپرت شعبه با آن زیر دستی که آقای شیروانی دارد و تمام نکات را ملاحظه کرده است دیدم چنین ایرادی نشده است. پس این انجمن درست است. حالا که درست شد آقا: این انجمن میگوید انتخابات اینطور واقع شده است. قانون هم میگوید آقای انجمن نو مجبوری این کار را نکنی. اگر این کار را نمیکرد فحش میدادید. میگوید انجمن نو مجبور هستی این ماده را اجرا کنی. انجمن میگوید در آنوقت که من اعلان کردم که باید در آنوقت آراء بیاید آراء نیامد. انتخابات را ختم کردم. مدتی هم معطل شدم نیامد. بنده از کجا اطمینان پیدا کنم که این آراء بعد از توی راه پیدا نشده است؟ خبر که نداده اید. میگوید من ظرف مدت معین کردم که انتخابات تا چند روز است. از بافت که محل اقطاع و افشار است تا سعید آباد هفده فرسخ است یعنی شصت و سه کیلومتر که زفته ام. تمام این حد را هم انجمن معین کرده است گفته است آقایان اقطاع و افشار شما که حق انتخاب را دارید در این موقع مقرر بوجب این قانون که دستور العمل اجرائیات ما است و ما باید مطابق این عمل کنیم در این موعده معین باید آراء را بیاورید. این بعینه مثل نماز است اگر شما قبل از آفتاب نماز نخوانید باطل است.... حائری زاده -- قضا کنند.

آقا سید یعقوب -- در اینجا تصدیق بفرمائید که دیگر قضا قبول نمیشود. مگر قضاوت حضرتعالی باشد که حالا دو مرتبه از بافت کرمان باز در بیابند بگویند ما وکیلیم. دیگر قبول نیست. در وقت معین نیآورده اند. چکار باید کرد؟ انجمن تکلیفش چه چیز است؟ حالا این ماده را میخوانم فارسی هم نوشته است (هرگاه بعضی از انجمن های نظارت جزء صورت مجلس انتخابات خود را در مدتی که انجمن مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات آن حوزه را

بنده وارد در این جزئیات نمیشوم که این تعرفه که که انجمن مرکزی تصدیق نمی کند از چه زمان بوده است از زمان مجلس مؤسسان همین طور تعرفه باقی مانده است و تعرفه که از زمان مجلس مؤسسان باقی مانده است بخرج داده است با آبا اجازه داده از آن بانه؟ وارد اینها نمیشوم اما انجمن اینجا کارش را تمام کرده. يك مسئله ديگر که بنده و آقای شیروانی حقیقه متوجه هستیم که باید آنرا خانه داد مسئله مفتش است. اینجا قانون انتخابات در دست ما است. مفتش چه رسمیت دارد؟ هر کس میخواهد باشد. آقای افجه خیلی خوب و مقدس اما در مقام خودش است و مداخلت ندارد. در کجای قانون مفتش معین شده است؟ این است که بنده میگویم قانون که از مجلس بیرون میآید و بدست قوه مجریه می افتد يك چیزهایی که ابدأ مداخلت در قانون ندارد باو می بندند. کجای این قانون (از اول تا آخر ورق بزنید) مفتش هست؟ ما چرا میآئیم در یکجائی که منافع داریم بوجود مفتش مداخلت میدهیم که پس فردا تمام انتخابات ما در چنگال مفتش بیفتد؟! مفتش که چه مداخلت دارد که ما تصدیق و تکذیب از او بخواهیم؟! بنده که جرئت نمی کنم استیضاح کنم ولی آن دولتی را که مفتش روانه میکند باید استیضاح کنید. این دولتی که مفتش میفرستد پس فردا نمیگذارد بکنفر مشروطه طلب وکیل بشود. این دولت محبوب جنابعالی است آقای شیروانی: بچه جهت مفتش را مداخلت بدهیم؟ کدام ماده از قانون مفتش را مداخلت داده است؟ بچه جهت بنده که بکنفر از قضاة هسم عقیده مفتش را در رأی مداخلت بدهم؟ در آن دوسیه که به مجلس شورای ملی میآید و تحت نظر شعبه و نمایندگان میآید ابدأ نظر مفتش مداخلت ندارد. کاغذ پاره باید او را فرض کنید. ما چرا امور غیر قانونی را اینقدر تعقیب میکنیم که پس فردا نتوانیم جلوش را بگیریم؟ این است که بنده کاملاً با این مسئله مخالفم. بعد از این عرایضی که بنده

خانمه داده نتیجه را معین میکند) حالا هم نتیجه را معین کرده است بلی بنده هم بافرمایش آقای شیروانی موافقم که چرا لفظ ابطال میگوید ولی انتخابات را خانه داده. يك کفری هم گفت. يك رده گفت. يك مرتد فطری در قانون شد که چرا گفت باطل است. اما انتخابات را خانه داده است...

شیروانی - مجازات باید بشود.  
آقا سید یعقوب - يك کفری گفته است. يك رده از زبانش جاری شد که گفت باطل است ولی مداخلت ندارد. انتخابات خانه پیدا میکند. خبر میدهد بوزارت داخله. وزارت داخله بر میدارد خبر میدهد بمجلس شورای ملی. مجلس شورای ملی کاملاً مطابق ترتیبی که از وزارت داخله امر میآید عمل میکند. اگر در يك جائی بفرمائید وزارت داخله بد کرده است بنده در آن مورد ديگر وارد نمیشوم. چون گفت بعضی جاها هست که حرف شیطان را باید شنید حالا اینجور نمیشود که در بعضی جاها بشنوم و در بعضی جاها نشنوم. آن شخص میگفت که شیطان گفت برو برای فلان آقا کلاه بردار بیاور. گفت عیب ندارد بعضی حرفهاش را بشنو آقا: وزارت داخله هر چیزی داد ناچار است مجلس شورای ملی عمل کند. وزارت داخله را برت میدهد که سید یعقوب وکیل است. بعد معلوم شد که سید یعقوب وکیل نبوده است. مجلس کار خودش را کرده است. اینجا هم همینطور است. پس نسبت باین جریانی که انتخابات پیدا کرده است اشکالی نیست عرض کردم ما در صلاحیت منتخب هم وارد نمیشوم. حقیقه یکی از آزادخواهان و زحمت کشهای اول مشروطیت همین آقا سید کاظمخان بوده است بینی و بین الله...

عمادی - سید مصطفی خان

آقا سید یعقوب - اما عرض کردم مداخلت ندارد در اینجا. این جریان انتخاب است. جریان که واقع شد در موعد معین ديگر چه باید کرد؟ اما راجع بتعرفه

کردم خود آقای حائری زاده حفظه الله و آقای شیروانی تصدیق میفرمایند که این رأی که داده اند مبتنی بر يك مدارك قانونی نبوده است چون انجمن تصدیق نکرده است. وزارت داخله هم تصدیق نکرده است بکنفر مفتش که غیر مسؤل و غیر مناسب و اجنبی نسبت بانتخابات است... يك کلاغی از آنجا برید من عقیده ام اینطور میشود؟! بنده از راه صلاحیت وارد نشدم. بنده عرض میکنم قضاوت ما باید در تحت مدارك قانونی باشد. مفتش در عقیده شعبه مداخلت ندارد. مفتش مساس بقانون ندارد. صحیح هم گفته باشد رأی شعبه باید متکی بمدارك قانونی باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

شریعت زاده - بنده مخالفم

رئیس - آقای شریعت زاده راجع بعدم کفایت

مذاکرات اگر مطلبی دارید بفرمائید

شریعت زاده - بنظر بنده مطلب طوری است که يك قیافه تعصب و تقید آمیزی متأسفانه در مجلس شورای ملی راجع باین موضوع احساس و مشاهده میشود و البته تعصب و تقید همیشه ممکن است در موقعی مرتفع شود که اطلاعات عمیقی در اصل موضوع بوسیله بیان توضیحات کافیه تحصیل شود تا طرفین موضوع متوجه شوند بلزوم خود داری از تعقیب يك مسائلی که شاید مؤثر باشد در قضاوت عادلانه و بنظر بنده يك نکات مؤثر و مهمی در توضیحات رعایت نشده است زیرا يك قسمش را متأسفانه آقای مخبراشتباه کردند که راجع بود بوصول دوسیه ها و دفاتر حوزه های فرعی اقطاع و افتار که در دوسیه رسیدش موجود است اینها يك مسائل مؤثری است که بعقیده بنده هر قدر توضیح شود آقایان بهتر و آزادانه تر میتوانند قضاوت وجدانی کنند از این جهت بنده معتمد که اگر قدری هم طول بکشد بصلاح نزدیکتر باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود. آقایانیکه مذاکرات را

کافی میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای شریعت زاده

شریعت زاده - قبل از اینکه بنده بتوضیح مطالبی که جلب توجه نمایندگان محترم بآنها لازم است بپردازم این جمله را بعرض میرسانم و انتظار دارم که وجدان و عدالت پروری آقایان مستلزم قضاوت عادلانه در اینقسمت باشد. بنظر بنده عظمت مقام مجلس شورای ملی نه بدرجه ایست که ما هیچیک اجازه داشته باشیم در این قبیل مسائل از نقطه نظر يك خصوصیات و شخصیات با حالت عصبانی و بالاخره تعصب و تقید مسائلی را توضیح بدهیم و بنظر بنده مجلس شورای ملی وضع شده برای حل مسائل نظری و در حل مسائل نظری طبعاً اختلاف نظر تولید میشود زیرا از نقطه نظر روحیات و نفوس و طرز فکر و سنخ معلومات و تربیت طرز افکار و قضاوت مختلف است. علت تشکیل و تأسیس مبانی اجتماعی مشروطیت این است که در نتیجه مباحثه مضراتیکه از این حیث ممکن است تولید شود مرتفع شود. بنابراین بنده با کمال خصوصیتی که با آقای بدر دارم و با کمال علاقه مندی که با آقای کاظمی دارم خدا را بشهادت میطلبم که من مثل يك مرد بیطرفی در این مسئله قضاوت کردم و قول میدهم که اظهارات من فقط نتیجه همان مطالعات بیطرفانه باشد هیچ در نظر ندارم که آقا کی است یا کاظمی کی است. آقای آقا سید یعقوب يك شرحی فرمودند که مجلس شورای ملی نباید بصلاحیت اشخاص در امر انتخابات مداخلت بدهد. بنده بر عکس عقیده دارم اگر در يك انتخابی يك شخص صالحی معلوم شد که حق دارد و جهات ترجیحیه در دلائل او هست مجلس شورای ملی باید کمال علاقه مندی را نسبت باو ابراز نماید. البته نمیخواهم عرض کنم که در اینجا چه نحو باید قضاوتی کرد. تاریخ زندگانی اشخاص خوب تکالیف افراد نمایندگان را در مورد این قبیل قضاوتها معین میکند. ولی در

این بود که نظر باینکه نمیتوان اعتراض کرد بر عملیات انجمنی که تشکیل آن و صلاحیت اشخاص آن مورد اعتراض نشده پس استناد آنها باین ماده صحیح است در صورتیکه بنظر بنده چون عدم صحت دلیل آنها مسلم است پس مجلس ملزم نیست که بتشخیص آنها اتباع کند و این استدلال آقا صحیح نیست و از این حیث بنده احتیاجی ندارم که تفصیلاً در این باب عریاضی بکنم و در عین حال لازم میدانم توجه آقایان را به ماده ۳۶ و ۳۷ قانون انتخابات جلب کنم این دو ماده راجع بدوم مفهوم متفاوت است. ماده ۳۶ راجع است بدیر رسیدن نتیجه عملیات انجمن یعنی اگر فرض کنیم که يك انتخاباتی در يك جائی بعمل آمده ولی وصول نتیجه اش دیر شده باشد انجمن مرکزی مجبور نیست که منتظر شود تا وقتی که او نتیجه انتخابات آن حوزه را بدهد و در عین حال در همان ماده مصرح است که اگر بعد از تعیین نتیجه در انجمن مرکزی نتیجه انتخابات انجمن های فرعی به انجمن مرکزی آمد شکایت اشخاص ذی نفع نسبت به آن وارد است و انجمن در مدت مقرر باید رسیدگی کند. معنی این است که اگر نتیجه انتخابات حوزه فرعی بعد از رسیدگی صحیح در آمده باید او را ضمیمه کند و اگر غلط در آمده با دلائلش بایستی بگوید قدر مسلم این است که ماده ۳۶ بهیچوجه مربوط نیست باسقاط حق انتخاب بلکه مربوط است بوظایف انجمن مرکزی در موردی که نتیجه عملیات يك حوزه فرعی دیر بیاید ماده ۳۷ مفهوم دیگری دارد و آن این است که اگر انتخابات بعمل نیامد یعنی اگر اهالی شرکت نکنند در آن صورت البته حق آنها ساقط خواهد شد. بنده هم معتقد باین عقیده هستم ولی در صورتیکه انتخابات بموقع بعمل آمده و آراء داده شده منتها بواسطه يك علي يك روز دو روز دیر ز آمده است البته بطور وضوح ثابت است که مشمول این ماده نیست و نمیتوان اهالی يك نقطه را باین جهت از حق مشروع خودشان محروم کرد پس در این قسمت

این موضوع حالا موقع نیست عرض بکنم بعد از بیان توضیحات راجع بادل موضوع انتخابات این جمله را هم تذکر میدهم که آقای آقا سید یعقوب شرحی فرمودند که انجمن نظارت مرکزی محکمه ابتدائی است و وقتی هم که رعایت مراسم قانونیه در تشکیل آن بعمل آمده تشخیصات این انجمن قطعی و غیر قابل اعتراض است بنده خیلی متأسفم از اینکه نه فقط این توضیح مخالف مواد صریحه قانون انتخابات است بلکه با اصول مسلمه هم که مربوط بحکومت ملی است مخالفت دارد زیرا اساساً طرز تشکیلات که مأمور قضاوت در اعتبار نامه ها است در قانون انتخابات طوری معین شده است که مدلل میدارد که اگر يك انجمن نظارتی برخلاف حق و برخلاف قوانین اقدامی کرده است شعبه با مجلس شورای ملی او را جبران کند. بنا بر این اگر فرض کنیم که انجمن مرکزی صحیح تشکیل شده این مسئله مستلزم این نیست که مجلس هم مجبور باشد به تبعیت يك رأی که برخلاف قانون از او صادر شده است مجلس شورایی ملی باید همیشه احتراز کند که در تاریخ خودش از قبیل نمونه هارا نگذارد بعلاوه اگر بنا باشد این عقیده را تصدیق کنیم ضرورتی ندارد که شعبه تشکیل شود و مجلس رای بدهد زیرا در موقعی که انجمن نظارت تشکیل شده و طرف اعتراض هم واقع نشده و اعتبار نامه هم بیکنفر داده است و شکایتی هم از حیث صلاحیت آن شخص نداشته است دیگر ضرورتی ندارد که اعتبار نامه اش را مجلس تصویب کند. پس این موضوع بطور صراحت میرساند که این صحبتها در مجلس صحیح نیست و باید مجلس نسبت به اعتبار نامه ها قضاوت کند و اگر جریان انتخابات مطابق موازین قانونیه بود و تشخیص هیئت نظارت بر طبق قوانین بعمل آمده بود تصویب کند و الایرد کند. این حق را نمیشود از مجلس شورای ملی سلب کرد. اما آمدیم راجع به استناد آقای آقا سید یعقوب به ماده ۳۶ و ۳۷ قانون انتخابات. چون آنطوریکه بنده فهمیدم طرز استدلالشان

زردیدی نیست که تشخیص انجمن نظارت سیرجان با استناد ماده ۳۶ و ۳۷ صحیح نیست و از این حیث بهیچوجه اعتراضی بر انتخاب اقطاع و افشار نمیتوان کرد و اما راجع بموضوع رسیدن دوسیه ها و دفاتر حوزه های فرعی افشار و اقطاع. اینطور نیست که آقای مخبر فرمودند میرزا عبد الله خان طاهری یعنی معلمی که انجمن مرکزی سیرجان با اقطاع و افشار فرستاده است در تاریخ هشتم آذر ۱۳۰۵ شانزده جلد دفتر راجع بانتخابات اقطاع و افشار بانجمن مرکزی تسلیم نموده است که متأسفانه بواسطه اعتراضی که در کار بود آن دفاتر را بمجلس نفرستادند و هر قدر ما و خود کاظمی سعی کردیم که والی حاضر شود و آن اسناد را بمجلس شورای ملی بفرستد بالاخره نفرستاده است منتها یکی از اسنادی که در ضمن يك جریانی اتفاقاً از کرمان بوزارت داخله منتقل شده است رسید انجمن مرکزی است که نسبت به شانزده جلد دفتر مینویسد (در صبح روز ۲۸ آذر ماه ۱۳۰۵ موازی شانزده جلد دفتر راجع بانتخاب اقطاع و افشار توسط میرزا عبدالله خان معلم بانجمن سیرجان واصل شده. اعضاء: رئیس انجمن سیرجان: بجی. محل مهر انجمن) پس معلوم می شود که تمام مراسم قانونیه در انتخابات اقطاع و افشار بعمل آمده و بنا بر این باید دلیل برای ردش داشته باشیم. دلیلش چیست؟ دلیلش علاقه یکمده متنفذین و طرفداران آقای بدر است ممکن است آقای کاظمی هم یکمده طرفدار دیگری داشته باشد. این که دلیل نیست. قسمت دیگری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند موضوع مفتش است که فرمودند مفتش بهیچوجه مدخلیت قانونی ندارد البته آقا خوب میدانند که وزارت داخله در مقابل مجلس شورای ملی مسؤل نظارت قانونیه در مسائل انتخابیه است و وسیله وزارت داخله هم در اعمال این نظارت حکام هستند. وقتیکه حکام از حدود آن وظایف مقرره تجاوز کردند و اعمال غرض کردند موضوع انتخابات

مورد شکایت واقع میشود و دولت ناچار است تحقیقات بکند که اینطور هست یا نیست؟ و بالاخره دولت در حدود صلاحیت خودش این مفتش را فرستاده است. مفتش هم که يك آدم معتمد در نزد همه است رفته است و تحقیقات کرده است. اولاً معلوم شده است پنجمزار و چهار صد و نود و نهم تفرقه توزیع شده است و مثبت بر صحت اظهارات او دفتری است که شانزده جلد داده شده است به انجمن مرکزی. پس از این حیث اشکالی بدولت وارد نیست و استناد ما به راپرت يك مفتشی که خودش مورد اعتماد است و برخلاف مقررات قانونیه هم اعزام نشده است يك وسیله ایست از برای تحقیق و تشخیص اینککه موضوع از چه قرار است. و خود این وسیله هم در قضایا مؤثر و قابل استناد است. پس از این جهت هم اشکالی بنظر نمیرسد و چیزی که لازم است بنده مورد توجه آقایان قرار بدهم موضوع تفرقه است که در این باب هم يك اشتباهی وارد میشود و آن این است که از سیرجان پنجمزار و پانصد نفره بموجب مراسله حکومت در تحت نمرة ۵۵۰۰ برای حکومت اقطاع و افشار فرستاده شده بود قبل از حاکمی که اخیراً متصدی در امور انتخابات بود و این تفرقه در آنجا موجود بوده و اینکه گفته میشود (دو هزار و هفتصد نفره) صحبت از اینجا برخاسته شد که پس از اینکه آقای والی تصمیم گرفته است که آقای بدر از آنجا انتخاب شوند در نقطه برد سپر مأموری معین کرده است که عبارتست از آقای رفعت الدوله برای اینکه آراء زیاد در آنجا تهیه کنند امر داده اند بحاکم اقطاع که از آن تفرقه هائی که شما در آنجا دارید برای ما هم بفرستید او هم گفته است که خیر تفرقه کم بوده است و مصرف شده است و باز هم این مسئله را وزارت داخله از حاکم اقطاع استبضاح کرده است و او هم جواب داده است و سواد مراسله حکومت آنجا را هم فرستاده است که بموجب آن مراسله

هستم با این توضیحاتی که بعرض آقایان رساندم دیگر مشاهده يك جریانات تعصب آمیزی در این موضوع بکنم و مطابق عدالت و انصاف در این موضوع رأی داده شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - عده پیشنهاد کرده اند که با اوراق

رأی گرفته شود. عده دیگر تقاضای رأی مخفی کرده اند

( دو فقره پیشنهاد مزبور بشرح ذیل فرائد شد )

امضا کنندگان ذیل تقاضا مینمایم نسبت به راپرت

شعبه ششم در موضوع انتخابات سیرجان مطابق ماده ۸۹

با ورقه رأی گرفته شود. احتشام زاده - محمود رضا -

شریعت زاده - جشیدی - جواجوی - حائری زاده -

افشار - عمادی - دکتر سنک - نجوی

ما امضا کنندگان پیشنهاد میکنیم که راجع راپرت

شعبه مربوطه با انتخابات سیرجان و آراء اقطاع و انتخاب

آقای کاظمی رأی مخفی بامهره گرفته شود

کازرونی - نگهبان - ابراهیم آشتیانی - جوان امامی

امیر حسین - حاج میرزا مرتضی - غلامحسین مسعود -

حسن اسفندیاری - مرتضی بیات - حاج شیخ بیات -

معمد التوایه - ذوالقدر - حسین جلالی - امیر تیمور

فیروز آبادی - علی زارع - آوانس - یعقوب الموسوی -

حبیب الله امین - حسین وزیری

رئیس - برای اینکه سوء تفاهمی رخ ندهد احتیاطاً

باید چیزهایی که بنظر بنده میرسد عرض کنم اولاً رأی

که گرفته میشود بخبر شعبه است یعنی بنمایندگی آقای

کاظمی. ثانیاً ترتیب رأی مخفی از قرار است که عرض

می کنم بهر يك از آقایان دو مهره رأی داده میشود

یکی سیاه یکی سفید بعد از اینکه هر يك از آقایان

پنجهزار و پانصد ورقه تعرفه بوده است پس مطابق این مراسم پنجهزار و پانصد ورقه تعرفه بوده است پس وقتی که تعرفه بوده و وقتی هم که قرار بر این باشد که در مدت متعین اشخاصی که می آیند تعرفه میخواهند باید به آنها تعرفه داد بنده حتی معتقدم ( حضرت آقای مدرس و سایر آقایان توجه بفرمایند باین مطلب ) که تعرفه در قانون عنوانی ندارد زیرا تعرفه عبارتست از ورقه که اسم انتخاب کننده و مهر انجمن نظار را دارد فرض کنید که از يك نقطه به نقطه دیگر پانصد ورقه تعرفه چاپی فرستاده شد بنده حتی مدعی هستم که مطابق موازین قانونیه اگر آن عده تعرفه در يك مدت کمی گرفته شد در باقی مدت باهالی نمی توان گفت چون تعرفه چاپی نیست شما نباید رأی بدهید بالاخره مجلس باید جنبه علمی قضایا را در نحت قضاوت در آورد این هم مسئله تعرفه. پس رأی داده شده است و شانزده جلد دفتر هم فرستاده شده است و تمام مراسم قانونی رعایت شده و اشکالی هم نیست و اگر نظر آقایان محترم این است که تحقیقات ناقص است ممکن است اظهار بفرمایند که مورد نقص چیست؟ تا تکمیل بشود و البته اگر به این اصل جواب صحیحی دارند بفرمایند بنده حاضریم که اگر مطابق موازین قانونیه يك جوابهای مؤثری راجع باین توضیحات بنده بدهند بنده هم موافقت کنم و رأی بدم به آقا و بالاخره عظمت مجلس هم اجازه نمیدهد زیرا مملکت احتیاج به آرامش و تعاطی فکر نمایندگان با یکدیگر دارد و نباید بکعده از نقطه نظر اعمال نفوذ سعی کنیم که يك کسی تحمیل شود و یکمده در مجلس شکست بخورند. بنده این اصول را نمی پسندم و البته اگر در مسائل نوعی باشد بنده هم حاضریم و استدعا میکنم آقایان عصبانی نشوند. این مسائل يك مسائل عادی است. ما میتوانیم تحقیق نمائیم اگر بنده صحیح نگفته باشم البته متقاعد میشوم و اگر آقایان صحیح نگفته باشند متقاعد میشوند و بالاخره بنده امیدوار

تشریف آوردند اینجا اول مهره رأی خودشان را در ظرف فلزی که در روی کرسی لطق در طرف دست راست بنده گذارده شده است می اندازند بعد از اینکه یکی از مهره ها را بمیل خودشان در توی ظرف انداختند از یکی از آقایان منشیها يك مهره تقشیه می گیرند تشریف می آورند بالا آن مهره تقشیه را میاندازند توی این ظرف چینی و يك مهره دیگری که مهره رأی است و در نزدشان باقی است آنرا خواهند انداخت در ظرف چرمی که در دست آقای دیوان بیکی است. آقای کازرونی کازرونی - چون راپرت شعبه نظر سابقه بنظر بنده قدری پیچیدگی دارد. بنده تکلیف خودم را بعد از اینکه نتیجه آراء معلوم شد در يك قسمتش نمیدانم عرض می کنم اگر چنانچه اکثریت حکم کرد که آقای کاظمی وکیل است که معلوم است ولی اگر بعکس شد در اینصورت تکلیف چیست؟ آیا آقای بدر تصویب میشود یا خیر؟

رئیس - محاله در این باب مذاکره نمیشود چیزی

که مطرح است راپرت شعبه است و باید رأی گرفته

شود به راپرت. عده حضار ۱۰۵ نفر است

( اخذ آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد )

مهره تقشیه ۱۰۲

مهره سیاه ( علامت رد ) ۵۷

مهره سفید ( علامت قبول ) ۴۵

رئیس - عده حضار ۱۰۵ نفر هستند با اکثریت

۵۷ رأی رد شد چند دقیقه تنفس داده میشود

( در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از

نیمساعت ثانیاً تشکیل گردید )

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده راجع با انتخابات سیرجان يك عریضی دارم

رئیس - بفرمائید

عراقی - بنده تصور میکنم که راجع با انتخابات سیرجان يك رأی انجمن نظار سیرجان داده بود و بکنفر را وکیل میدانست و فرستاده بود و شعبه يك رأی داده که بعقیده بنده بدلائل الزامی رأی شعبه رای انجمن نظار سیرجان را طرد کرده بود یعنی اعتبار نامه نصیرالدوله را طرد کرده بود مجلس هم در این باب يك حکومتی کرد یعنی رأی شعبه را رد کرد حالا در این رأی که مجلس داده است آیا رأی شعبه را بالتام حتی آن دلالت الزامی را هم که رأی شعبه در این قسمت داشته رد کرده یا اینکه خیر دلالت الزامی نداشته بلکه بدلائل منطوقی نمایندگی آقای کاظمی را رد کرده و نسبت بنمایندگی آقای بدر ساکت است یا تصویب کرده است؟ بنده خیال می کنم این يك مبحثی است که باید درش صحبت کرد

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - بنده تصور میکنم که این موضوع ایداً مسئله نظری نیست و بدیهی است ولی بنظر نماینده محترم آقای عراقی نظری است بنده سه دوره است افتخار عضویت مجلس را دارم و سوابقی را که نظایر این امر بوده است بعرض آقایان میرسانم در دوره چهارم چند نفر از مجلس رد شدند. آقای مشیر معظم والی کرمان که همین انتخابات بدست ایشان بوده رد شدند و بجای ایشان آقای نظام مافی که الساعه در مجلس هستند انتخاب شدند و آمدند اینجا نماینده بعدی را هیچکس نپرسید کی بوده؟ آقای عامری از نائین انتخاب شده بودند و پس از اینکه رد شدند بجای ایشان حاج میرزا تقی خان آمد اینجا هیچکس هم نپرسید بعد از عامری کی بوده؟ چهار روز قبل راجع به امیرهایون و امین الاسلام اختلاف بود هیچ مجلس نپرسید که دیگری که رقیب امیرهایون است کی است؟ حالا ما خواسته باشیم يك سوابق

جدیدی برای ابتکار ایجاد کنیم بمقیده بنده سزاوار نیست بنده به آقای بدرارادت دارم ولی قانون را بیش از آقای بدر دوست دارم اگر هم قانون را دوست نداشته باشم خودم را بیش از آقای بدر دوست دارم بالاخره این سوابق بکلی مقام نمایندگی را منززل میکند . يك نمائنده که در حوزه انتخابیه در درجه دوم بوده ولی در مجلس برای اینکه خویش دارد کس و کار دارد و وزیر بوده ، باچه بوده ، این باعث شود که اولی رد شود و دومی بیاید در مجلس این يك سابقه خیلی کثیفی است که استدعا میکنم آقایان همچو سوابقی در مشروطیت نگذارند دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده تصور میکنم باقانون بایستی حکمفرما باشد یا سابقه بنده قانون انتخابات را در این موضوع ساکت میبینم و حتی بحضرتعالی هم مراجعه کردم فرمودید ساکت است بنده تصور میکنم که باید بسابقه رجوع شود اگر سابقه داشته مطابق آن سابقه رفتار شود چون خود بنده متأسفانه افتخار نمایندگی را درادوار سابقه نداشتم در حال عقیده ام این است که باید بسابقه رجوع شود و اگر سابقه ندارد آنهم با مجلس است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده نسبت برفیق محترم خودم آقای کاظمی کمال ارادتها دارم و راستی هم نسبت با آقای بدر علاقه ندارم ولی همانطور که آقای حائری زاده فرمودند علاقه به اساس مشروطیت و مجلس دارم کم کم می بینم يك جریان هائی پیدا میشود که بکلی اساس مشروطیت که عبارت از انتخاب وکیل باشد از بین می رود چرا ؟ وکیل یعنی آن کسی که حق دارد وارد این محوطه بشود . وکیل کیست و باید چه مدارجی را طی کند . اولاً انجمن نظارت مرکزی باید تصدیق کند و دوسیه تشکیل بدهد و صورت مجلس داشته باشد که اعضاء

حق دارد رد کند . . . . .

شیروانی - مجلس رد کرد شعبه تصویب کرد .

کازرونی - بله مجلس انتخاب مشیر معظم را رد کرد و البته باید تجدید انتخاب شود آیا مجلس انتخاب آقای بدر را رد کرده که محتاج به تجدید انتخاب باشد ؟ هرگز همچو چیزی نشده است . در هر صورت اگر اینطور سوابق را گذاشتید راستی اساس انتخابات منززل میشود بنده هم که آمدم در اینجا يك عریضی بکنم راجع باین قسمت است و دیگر عرضی ندارم .

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده این موضوع را بقدری غیرقابل مذاکره میدانم که حتی اینجا هم نمیخواستم به آقایان زحمت بدم مجلس شورای ملی مبتنی بر راپرت شعبه باید قضاوت کند راپرت شعبه بر طبق دلائل و اسناد و آرائی که مردم داده اند روی انتخاب آقای کاظمی بوده است . مجلس هم رد کرده است . این دیگر قابل ذکر نیست اصلاً در اینجا بنده تصور میکنم هر اعتبار نامه را که مجلس رد کند ما بخواهیم تجدید مذاکره در او بکنیم این از برای مجلس شورای ملی مضر است و در آتیه شما تمام انتخابات را وقتی که مجلس شورای ملی رد کرده است میتوانی مطابق يك مباحثیکه در دوسیه هست درش حرف بزنی

کازرونی - اعتبار نامه داشته است

شیروانی - اجازه بفرمائید ممکن است بنده اعتبار نامه را در کوچه پیدا کنم و اسمم را رویش بنویسم و بیاورم اینجا . اینکه ملاک نیست . انتخاب ملت ملاک است پس دوسیه یعنی چه ؟ رای مردم یعنی چه ؟ جریان انتخابات یعنی چه ؟ وزارت داخله صریحاً نوشته است دعوتی که از شما شده کان لم یکن است باز آقا آمدند در اینجا و نشستند اعتبار نامه با هر چه که در دست هر که باشد بالاخره بنده سؤال میکنم که تجدید انتخاب چه وقت خواهد شد ؟ مطابق نص صریح قانون انتخابات چند موقع تجدید انتخاب میشود . وقتی يك وکیل میرد

وقتی يك وکیل را مجلس رد کند . وقتی يك وکیل بعد از اینکه اعتبار نامه بگیرد مستعفی شود . در این سه مورد تجدید انتخابات بعمل میآید پس مجلس شورای ملی راپرت شعبه را که به مبتنی بر نمایندگی يك شخص بوده است رد کرده است در اینصورت باید انتخابات تجدید شود آقای کازرونی : فردا شما از بندر عباس وکیل وکیل میشوید مجلس اعتبار نامه شما را رد میکند آنوقت دومی باید بیاید در مجلس ؟ این سابقه را در مجلس نگذارید .

رئیس - آقای امامی

امامی - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - اگر آقایان فراموش نکرده باشند در خارج

از بنده سؤالانی میشود و بنده هم میدانم چطور جواب بدم . حالا اگر عقیده آن این است که باید ترتیب صحیحی مذاکره شود ممکن است يك عبارتی . فورمولی پیشنهاد نمائید که بطور موافق و مخالف در آن صحبت شود

مدرس - جزء دستور جلسه آتیه نگذارید

رئیس - بعد از نطق آقای افشار جزء دستور میشود

آقای افشار

افشار - انجمن مرکزی سیرجان در درجه اول آقای بدر در درجه دوم آقای کاظمی را وکیل دانسته بود حالا به چه مناسبت بدر در درجه اول و کاظمی در درجه دوم وکیل شده بودند اینها يك مسائلی بود در دوسیه یعنی قضاوتی که انجمن مرکزی سیرجان در قسمت اقطاع و افشار کرده بود این قضاوت بهیچوجه تطبیق با روح و مفهوم قانون نمیشد و در حقیقت کاظمی در درجه اول وکیل بود بدر در درجه دوم بدلیل اینکه باستناد مواد ۳۶ و ۳۷ نظامنامه آمده بودند و يك عده از آراء کاظمی را زده بودند و بدر را در درجه اول وکیل کرده بودند شعبه قضاوت انجمن

را از نقطه نظر قانون رد کرد و مطابق همان جریان اصلی انتخابات در درجه اول کاظمی را وکیل کرد و راپرت داد وقتی راپرت شعبه رد شد در واقع منتخب سیرجان از مجلس رد شده بنا بر این باید تجدید انتخابات بشود و همانطوری که آقای حائری زاده فرمودند موضوع انتخابات ما تو هم همین حال را داشت وقتی که امیر همایون رد شد متعاقب امیر همایون کسی نیامد اینجا و ایشان هم مأیوس شدند و البته بایستی انتخابات تجدید شود

رئیس -- چون مقداری از ظهر گذشته است اگر تصویب فرمایند این موضوع بماند برای جلسه روز سه شنبه که در این موضوع مذاکره شود بعد راجع بآن لایحه قبلی

شیروانی - بنده راجع بدستور عرض دارم

رئیس -- فرمائید

شیروانی - بنده این موضوع را يك موضوعی نمیدانم که جزء دستور گذارده شود. اگر چنانچه جلسه آنبه این موضوع را قابل مذاکره دانستند همانطور که مقام ریاست فرمودند پیشنهاد میکنند و در روی آن پیشنهاد صحبت میشود و الا این يك موضوعی نیست که جزء دستور شود.

رئیس -- خوب. اگر مذاکرانی بشود لابد يك ترتیبی میکنیم که بترتیب موافق و مخالف صحبت شود. آقای وزیر داخله

وزیر داخله - بنده استدعا میکنم بعد از لایحه اعتبار پنج میلیون مقرر فرمایند آن لایحه اضافات وزارت داخله که راپرتش هم بین آقایان توزیع شده جزء دستور شود  
رئیس -- مخالفی ندارد؟

(اگفتند خیر)

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)